

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه ای از مباحث جلسه ی قبل

عرض کردیم که در حقیقت حکم، مبانی مختلفی وجود دارد و این مبانی در مباحث مختلف علم اصول آثار مختلفی را دارد؛ از جمله در همین بحث استصحاب تعلیقی است. در برخی از کتب آمد که انکار استصحاب تعلیقی که مرحوم محقق نائینی (اعلی الله مقامه الشریف) دارد روی مبنای مشهور در باب حقیقت حکم است. مشهور حقیقت حکم را عبارت از بعث و زجر می دانند. یعنی مراحل ملاک، علم به ملاک و انشاء حقیقت حکم نیست. آن مرحله ای که به مرحله ی بعث و زجر می رسد آن عنوان حقیقت حکم را دارد.

مبنای مرحوم آخوند خراسانی در باب حقیقت حکم

همین جا این سؤال هست که باید ببینیم مرحوم آخوند خراسانی (قدس سره) که استصحاب تعلیقی را پذیرفتند، آیا مبنای ایشان در باب حقیقت حکم با مبنای مشهور مخالف است؟ یعنی مثلاً بگوئیم مرحوم آخوند حقیقت حکم را همان مرحله ی انشاء می داند یا نه؟

از برخی عبارات مرحوم آخوند در کفایه استفاده می شود که حقیقت حکم همان مرحله ی انشاء است. چرا که همان گونه که می دانید، مرحوم آخوند حکم را دارای چهار مرحله می داند؛ ملاک، علم به ملاک، انشاء و مرحله ی فعلیت.

سپس مرحله ی فعلیت را دو مرحله می کند: 1. فعلی من جمیع الجهات 2. فعلی من بعض الجهات که با مرحله ی تنجز یکی است.

از طرفی دیگر صاحب کتاب منتقی فرمودند نظریه ی مرحوم نائینی در مورد انکار استصحاب تعلیقی، مبتنی بر این نظریه ی مشهور در باب حقیقت حکم است که عبارت از بعث و زجر باشد. البته در مقابلش دو نظریه ی دیگر هم بیان کردند که این نظریه ی مشهور خودش دو شاخه می شود.

1. دیدگاه مشهور این است که بین جعل و مجعول تفکیک نمی کنند و می گویند جعل در یک زمان و مجعول در زمان دیگر نمی آید بلکه جعل و مجعول مثل ایجاب و وجوب است و تأخر زمانی بین جعل و مجعول معنا ندارد.

2. در مقابل مرحوم نائینی فرمود: که تأخر زمانی هست و مجعول تا مادامی که موضوع فعلیت پیدا نکرده است، اصلاً محقق نمی‌شود. این تفکیک بین جعل و مجعول مربوط به کلمات مرحوم نائینی است.

پس خود این نظریه که حقیقت حکم عبارت از بعث و زجر است خودش دو شاخه می‌شود یکی راجع به جعل و مجعول است یعنی کسانی که جعل و مجعول را در یک زمان می‌دانند یکی کسانی که جعل و مجعول را جدا می‌دانند.

بحث دیگر این است که اولاً آخوند که قائل به استصحاب تعلیقی شده آیا مرحوم آخوند هم در حقیقت حکم همین نظریه‌ی مشهور را دارد یا اینکه نه؟ مرحوم آخوند در حقیقت حکم، حقیقت حکم را همان انشاء می‌داند و نه بعث و زجر که بعث و زجر مرحله‌ی فعلی است. آن مقداری که در ذهنم هست این را خود آقایان در این دو سه روز آینده تتبع بفرمائید ببینید مرحوم آخوند حقیقت حکم را چه می‌داند؟

اساساً حالا این مطلب که ما بگوئیم انکار استصحاب تعلیقی روی مبنای مشهور است، این اگر بخواهد فقط در مقابل نظریه‌ی مرحوم عراقی باشد عیبی ندارد، غیر از آن بخواهد باشد یک مقدار جای تأمل دارد.

نظریه‌ی مرحوم محقق اصفهانی را هم دیروز عرض کردیم ولی باز هم یک مقدار توضیح لازم دارد و هم نظریه‌ی مرحوم آقای خوئی را باید بگوئیم که مختار ما از قدیم الایام همین بود در باب حقیقت حکم، این را ان شاء الله بعد عرض خواهیم کرد.

بیانات حضرت آیت الله حاج شیخ محمد جواد فاضل لنکرانی (دامت برکاته)

پیرامون شخصیت امام محمد باقر (علیه السلام). در درس خارج اصول 9/7/93

ایام شهادت امام باقر (علیه السلام) است؛ هریک از امامان به سهم خود یک نحوه تأثیرگذاری خاص راجع به اسلام، تشیع و جامعه بشری داشته‌اند.

جهت معرفت بیشتر و شناخت عظمت امام باقر (علیه السلام)، به این نکته می‌پردازیم که تأثیرگذاری آن حضرت در دوران امامت‌شان چه بوده است؟

بشارت به ولادت امام باقر (علیه السلام) توسط رسول خدا (صلي الله عليه و آله)

به اجمال می‌توان گفت: اولاً در عظمت امام باقر (علیه السلام) همین بس، که رسول خدا (ص) در زمان حیات شریف‌شان به جابر بن عبدالله انصاری بشارت ملاقات امام باقر (علیه السلام) را دادند و به جابر فرمودند: «تَلَقَى رَجُلًا مِنْ وَلَدِي يُقَالُ لَهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ يَهَبُ اللَّهُ لَهُ النُّورَ وَالْحِكْمَةَ فَأَقْرَبُهُ مِنِّي السَّلَامُ» (کافی 1: 390)، تو با مردی از ذریه‌ی من ملاقات می‌کنی که نامش محمد بن علی بن الحسین است، که خدای تبارک و تعالی نور و حکمت را به او عنایت فرموده است، سلام مرا به او برسان.

آن وقت خود امام باقر (علیه السلام) جریان این ملاقات را چنین نقل می‌فرماید: در مجلسی همراه پدرم امام سجاد (علیه السلام) بودم در آن مجلس جابر دست مرا بوسید در حالی که سنّ کمی داشتم... گاهی اوقات بعضی سؤال می‌کنند آیا تقبیل ید و دستبوسی مشروعیت دارد یا نه؟ از این روایت استفاده می‌شود که مانعی ندارد... حضرت می‌فرماید «فَقَبِّلْ يَدِي ثُمَّ أَهْوِ إِلَى

رجلي فاجتذبتها منه»؛ جابر خواست روي پاهاي من بيفتد من مانع شدم و نگذاشتم و خودم را از اين كار دور كردم.

مبارزه با رهبران منحرف

همچنين قتاده كه از فقهاي بصره بوده و در زمان خودش عظمتي داشته، روزي خدمت امام باقر(ع) مي‌رسد، حضرت از او سؤال مي‌كنند كه تو فقيه بصره هستي؟ عرض مي‌كند بله. من فقيه بصره هستم. بعد حضرت مي‌فرمايد: «وَيْحَاكَ يَا قَتَادَةُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ خَلَقَ خَلْقًا مِنْ خَلْقِهِ فَجَعَلَهُمْ حُجَجًا عَلَى خَلْقِهِ» (كافي، ج 6، 256)؛ واي بر تو، براي چه عنوان فقيه را بر خودت اطلاق مي‌كني؟ فقهاء (منظور ائمه طاهرين(عليهم السلام) است) گروه خاصي از بندگان خدا هستند كه حجت خدا بر ساير مردم هستند. اينها عنوان فقيه را دارند، تو چطور جرأت مي‌كني براي خود عنوان فقيه قرار دهی. فقيه يعني كسي كه آشناي به دين است، كسي كه آشناي به كتاب خداست.

در روايت ديگري ذكر شده كه امام باقر(ع) از او سؤال كردند بر چه اساس فتوا مي‌دهي؟ گفت از كتاب خدا. امام باقر(ع) به او فرمود: «مَا وَرَّثَكَ اللَّهُ مِنْ كِتَابِهِ حَرْفًا» (وسائل الشيعة، ج 27، ص: 48) - تعبير خيلي عجيبی است! فرمود تو از كتاب خدا يك حرف نمي‌فهمي. فرمودند فقيهان گروه خاصي هستند كه حجت خدا بر ساير مردم هستند.

ملاحظه بفرماييد امام باقر(ع) از امامان معصوم(ع)، كه فقيه واقعي هستند، با چه تعابيري ياد مي‌كنند، «أَوْتَادُ فِي أَرْضِهِ قُؤَامٌ بِأَمْرِهِ نُجَبَاءُ فِي عِلْمِهِ اصْطَفَاهُمْ قَبْلَ خَلْقِهِ أَظِلَّةٌ عَنْ يَمِينِ عَرْشِهِ»؛ امام باقر(ع) چيزي فرمود كه اصلاً قتاده قدرت تكلم پيدا نكرد. بر حسب نقل، آن روز قتاده چهل مسئله را آماده كرده بود كه از امام باقر(ع) سؤال كند. وقتي كه با اين سؤال و جواب مواجه شد كه حضرت فرمود مگر تو فقيهي؟ و آن عبارات را راجع به فقهاي واقعي فرمودند، قتاده خاموش شد.

بعد قتاده اين جمله را گفت «وَاللَّهِ لَقَدْ جَلَسْتُ بَيْنَ يَدَيِ الْفُقَهَاءِ وَقُدَّامَ ابْنِ عَبَّاسٍ فَمَا اضْطَرَبَ قَلْبِي قُدَّامَ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مَا اضْطَرَبَ قُدَّامَكَ»؛ به امام باقر(ع) عرض كرد: من تا حالا با فقهاي زيادي مثل ابن عباس نشست و برخاست داشتم، در برابر هيچيك از آنان قلبم اين چنين مضطرب نگريد كه الان در محضر شما مضطرب هستم. فهميد كه يك نورانيت خاص، يك عنايت و ويژگي خاصي در امام باقر(ع) هست.

مبارزه با انحراف و بدعت در سیره ی امام باقر(عليه السلام)

در مورد امام باقر(ع) چند نکته را به نحو اجمال عرض مي‌كنم.

يك نکته؛ مقابله‌ي امام باقر(ع) با انحرافات است كه البته اين در زمان هر امامي كم و بيش بوده و اساساً يكي از فلسفه‌هاي عميق امامت، به عنوان حجت خدا بر خلق و به عنوان حافظ دين خدا، اين است كه در هر زماني مراقب افكار امت باشند و با انحرافات مقابله كنند. يكي از تفاوت‌هاي بارز بين امام و غير امام همين است. حكام جور كه براي قدرت طلبي و مطامع دنيوي و حيواني سراغ حكومت مي‌آيند، دنبال اين مسائل نيستند.

حتي بسياري از كساني هم كه مدعي دينداري‌اند اصلاً خودشان انحراف ايجاد مي‌كنند. حال در طول زمانها چه كسي بايد باشد كه بتواند تشخيص دهد انحراف چيست و جلوي انحرافات را بگيرد؟ اين وظيفه امامان معصوم(ع) در زمان حضور و نائبان آنها در زمان غيبت است. اين نکته‌ي خيلي مهمي است.

در ميان ائمه‌ي ساير مذاهب، کدام يك از آنها را سراغ داريد كه در زمان خودشان يك فتنه يا انحراف عقيدتي و بدعتي را تشخيص داده و با آن مقابله كرده باشند؟ البته آن بدعتي كه بر اساس مباني ديني بدعت باشد، نه آنكه روي كج‌فكري‌ها و

جهالت‌های خودشان، خیلی از مسلمات دینی را بدعت بنامند. همچنانکه ابن تیمیه کارش به جایی رسید که رفتن زیارت قبر رسول خدا(ص) را بدعت دانست. این روی کج فکری است.

اما آن کسی که شاخص دقیق تشخیص بدعت از غیر بدعت، فتنه از غیر فتنه است، فقط امام معصوم(ع) است.

این تشخیص و مقابله در زندگی امام باقر(ع) وجود داشته است. افرادی در زمان امام باقر(ع) ادعای علم غیب می‌کردند، مثل مغیره بن سعید عجل، کسی که در حضور امام باقر(ع) با گستاخی و بی‌حیایی فراوان به ایشان عرض می‌کرده «إني أعلم الغيب»، شاید منظورش این بوده که اتفاقاتی که طی چند روز آینده می‌افتد، تا یک حدی خبر دارم.

حال برخورد امام باقر(ع) چگونه بوده است؟ حضرت نسبت به این فرد که ادعای علم غیب کرد، با لحنی تند او را از آن مجلس بیرون کردند و در میان مردم مورد لعن قرار دادند.

در زمان ما هم افرادی وجود دارند که مدعی هستند. ادعاها و پیشگویی‌هایی می‌کنند، کی فلان قضیه اتفاق می‌افتد؟ این کار با سیره‌ی ائمه طاهرين(ع) و سیره‌ی امام باقر(ع) سازگاری ندارد و ما طلبه‌ها باید با این مسائل مقابله کنیم.

اکنون در جامعه‌ی ما چه بسیار کتاب‌هایی پر از قضایایی است که هیچ اساس ندارد و یک عده‌ای که فقط به فکر منافع مادی و اقتصادی خود هستند، این کتب را در تیراژ وسیعی منتشر کرده و به أنحاء و اقسام روش‌های موجود برای فروش آن متوسل می‌شوند. برای ترویج یک قضیه دروغ و بی‌اساس، ادعاهایی که هیچ اساسی ندارد. اما برخورد امام باقر(ع) با مغیره که فقط ادعای علم غیب می‌کرد و می‌گفت من می‌دانم فلان آدم چه روزی خواهد مُرد، و از این قبیل ادعاها، آنچنان بود.

توصیه به اعتدال در کلام امام باقر (علیه السلام)

امام باقر(علیه السلام) در یکی از توصیه‌ها که به شیعیان دارند، تعبیر خیلی جامعی می‌فرمایند:

حُمَيْدُ بْنُ زَيْدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: «يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ كُونُوا النُّمْرُقَةَ الْوُسْطَى يَرْجِعُ إِلَيْكُمْ الْغَالِي وَ يَلْحَقُ بِكُمْ التَّالِي فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ يُقَالُ لَهُ سَعْدٌ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا الْغَالِي قَالَ قَوْمٌ يَقُولُونَ فِينَا مَا لَا نَقُولُهُ فِي أَنْفُسِنَا فَلَيْسَ أَوْلَئِكَ مِنَّا وَ لَسْنَا مِنْهُمْ قَالَ فَمَا التَّالِي قَالَ الْمُرْتَادُ يُرِيدُ الْخَيْرَ يُبْلِغُهُ الْخَيْرَ يُوجِرُ عَلَيْهِ»؛ (کافی ج 2، 76)

امام(ع) می‌فرماید: شما شیعیان آل محمد(ص) باید نمرقه‌ی وسطی باشید -نمرقه، تکیه‌گاه میانی است- آن کسی که جلو رفته محلق به شما شود و آن کسی که غلو می‌کند، به سوی شما بازگردد.

یکی از اساسی‌ترین کارهایی که امام باقر(ع) و سایر ائمه ما می‌کردند مبارزه‌ی با غلو است. در زمان امام باقر(ع) افرادی نسبت به حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب(ع) غلو می‌کردند، حضرت تصریح فرموده است که «لَا تَضَعُوا عَلَيَّا دُونَ مَا وَضَعَهُ اللَّهُ وَ لَا تَرْفَعُوا عَلَيَّا فَوْقَ مَا رَفَعَهُ اللَّهُ» (امالی شیخ صدوق 216) امیرالمؤمنین را کمتر از آنچه خدا قرار داده قرار ندهید، خدا او را حجت خودش و وصی بلا فصل رسول خدا(ص) قرار داده با آن مقاماتی که در جای خودش مشخص است، از طرف دیگر او را بالاتر از آنچه که خدا بالا برده شما بالا نبرید. یعنی آن حد واقعی‌اش را بیان کنید. نمرقه‌ی وسطی باشید. یعنی تجاوز از حد و غلو نکنید.

مثلاً در مورد ائمه‌ی معصومین(علیهم السلام) هیچ کس نباید بگوید مستقلاً در عالم تکوین دخالت می‌کنند، ما ولایت تکوینی ائمه(ع) را قبول داریم، اما ولایت آنها به اذن الله تبارک و تعالی است. هیچ فقیه و عالمی از علمای شیعه نداریم که بگوید ما

ولایت تکوینی ائمه(ع) را بالاستقلال قبول داریم.

اهل سنت یا وهابی ها روی جهالت یا عناد و دشمنی که با شیعه دارند این نسبت های ناروا را به شیعه می زنند، در حالیکه ما نسبت به ائمه اطهار(ع) ولایت تکوینی آنها، علم آنها به ماکان و مایکون و... را قبول داریم، منتها به اذن الله. این وُسَطی بودن، همان اعتدال و روش معتدلانه ای است که در سیره ای ائمه معصومین(ع) نسبت به آن خیلی تأکید شده است.

در اعتقادات ما اعتدال داشته باشیم نه غلو کنیم و نه کمتر، در اخلاقیات اعتدال داشته باشیم، در اقتصاد اعتدال داشته باشیم، در همه امور ما باید نمرقه ای وسطی باشیم.

پس امام به عنوان یک نره بین مراقب انحرافات و بدعت ها است و این نمونه ای از سیره امام باقر(ع) در مخالفت با اهل غلو و بدعت است.

در این آیه شریفه «هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» در روایتی امام باقر(ع) در مورد آنها که خسارت بارترین عمل را دارند می فرماید «هم النصاري و القصيصون و الرهبان و اهل الشبهات و الاهوي من اهل القبلة» زیانکارترین افراد علمای مسیحیت هستند که نگذاشتند جمع زیادی از مردم سراغ حق بیایند و کتمان کردند آنچه در انجیل بود و نگذاشتند مسیحیان اسلام را بپذیرند.

اهمیت نشر فرهنگ اهل بیت(علیهم السلام) در کلام امام باقر(علیه السلام)

نکته ی بعد که برای ما مهم است، مطلبی است که سعد اسکافی نقل می کند. سعد به امام باقر(ع) عرض کرد «إِنِّي أَجْلِسُ فَأَقْصُ وَ أَذْكَرُ حَقَّكُمْ وَ فَضْلَكُمْ!»، من در مجلسی می نشینم و راجع به فضل شما و حق شما حرف می زنم. حالا این درسهای ما، مجالس روضه ما و هر جایی که راجع به حق اهل بیت(علیهم السلام) صحبت شود، از مصادیق این روایت است. حضرت فرمود «وَدِدْتُ أَنْ عَلِيَّ كُلَّ ثَلَاثِينَ ذِرَاعًا قَاصًا مِثْلَكَ» (رجال الکشي - إختيار معرفة الرجال، 215) می فرماید من دوست دارم در فاصله هر سی ذراع کسی نشسته باشد و مثل تو مشغول تکلم باشد.

امروز حل همه ی مشکلات بر حول محور امامت است که واقعاً برای مشکلات جهان امروز و دنیای اسلام هیچ راه حل دیگری غیر از این وجود ندارد و باید همه مذاهب اسلامی بر حول محور امامت گرد آیند.

آقای تاج الدین هلالی و آقای کریمه که از علمای الازهر هستند و به قم آمده بودند در هر دو دیدار از ایشان پرسیدم برای حل مشکل این تکفیری ها و داعشی ها، این قضایایی که امروز بالای جان مسلمین شده چه راه حلی دارید؟ بعد از جوابی که دادند من گفتم راه حلش فقط این است که اهل بیت(علیهم السلام) را محور قرار دهیم.

گفتم البته تکفیری ها این حرف ها را از علمای سلف شما یاد گرفته اند. هر روزی یک چیزی را مصداق کفر قرار می دهند و یک بخشی از مسلمین را از دایره ی اسلام خارج می کنند و کافر می نامند، در حالی که ضابطه ی کفر در اختیار من و شما نیست. ضابطه ی کفر را باید خود شارع و مبین دین بیان کرده باشد.

امروز می گویند اگر در تلفن همراه قرآن خوانده شود کفر است، تو که جاهل به دین هستی، چه حقی داری که بگویی این کفر است. از خواب برمی خیزند می گویند امروز نگاه کردن به فلان دیوار، کفر است، امروز زدن فلان حرف، کفر است. خوشبختانه مردم و مسلمین فهمیده اند که اینها روی هوا و هوس این فتاوا را صادر می کنند.

امروزه روشن شده از زمانی که وهابیت به وجود آمد و به مثل ابن تیمیه‌ها پر و بال دادند برای این بود که در دین بدعت به وجود آورند، ضابطه‌هایی جعلی درست کنند و هر روز یک کسی را به اسم دین به راحتی به قتل رسانند. باید به اهل بیت توجه داشته باشیم، باید مقامات واقعی اهل بیت را برای مردم بیان کنیم، باید کلمات و حقایق آنها را بیان کنیم. البته نباید بگذاریم اختلاف ایجاد شود.

ما اینقدر مطالب از ائمه‌ی طاهرین(ع) داریم که یک روایتش ممکن است یک کشوری را مستبصر کند و به هدایت برساند.

مناظره‌هایی که امام باقر(ع) با مسیحیان، با هشام بن عبد الملک، حتّی با رئیس خوارج زمان خودش داشته، ما را موظف می‌کند که در زمان خودمان هر طلبه و هر گروهی با سایر مذاهب بنشینیم و مناظره کنیم، هر کدام از اینها را که بیان کنیم بیان مقامات آنهاست.

راجع به صحیح‌ای که آن قصیص از کثرت علم امام باقر(ع) زد شنیده‌اید. آن قصیص که در شام خیلی هم محترم بود، چند تا سؤال از امام باقر کرد امام آن چنان به او جواب دادند که رو کرد به مسیحی‌ها و گفت لا تسألونی، دیگر از من سؤال نکنید هر چه می‌خواهید از این آقا سؤال کنید و عده‌ی زیادی در همان مجلس از مسیحیت به اسلام گرویدند. ما بیائیم اینها را ذکر کنیم، امروز یکی از وظایف اصلی ما این است که حقیقت امامت، فضایل ائمه معصومین(ع)، کلمات و حقایق آنها را هر چه بیشتر برای نسل امروز بیان کنیم.

رشد جامعه در گرو این هست، امیدوارم که ان شاء الله خدای تبارک و تعالی کشور و نظام مقدس ما را، مسئولین ما را، حوزه‌های علمیه ما را، مراجع معظم، رهبری معظم انقلاب(دامت برکاتهم) را و همه‌ی خدمتگزاران به اسلام را در این کشور و غیر این کشور، به برکت ائمه طاهرین(ع) خصوصاً امام باقر(ع) مؤید و موفق بفرماید.

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ